



اسپانیا و مذاکرات هسته‌ای ایران: محدودیت‌ها و رویکرد قدرت نرم



دکتر سید داود آقایی* - راج دیپ‌سینگ**

This is an open access article under the CC BY license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

چکیده

تحریم‌های تحمیلی بر ایران برای مهار برنامه هسته‌ای ایران منجر به تهدید امنیت انرژی برای واردکنندگان عمده نفت از ایران از جمله اسپانیا شد. با آغاز مسئله هسته‌ای ایران، اسپانیا می‌توانست در قبال ایران سیاست‌های مختلفی از جمله رهبری، نقش منفعلانه و یا نقش فعال و تسهیل‌کننده سیاست‌های کلان اتحادیه اروپا را پایه‌ریزی کند. سؤال اصلی این پژوهش عبارت است از: اسپانیا چه نقشی را در حصول برجام در چارچوب اتحادیه اروپا ایفاء کرد؟ فرضیه پژوهش بیان می‌کند که اسپانیا با استفاده از منابع قدرت نرم نقش تسهیل‌کننده و اعتماد ساز را در گفتگوهای ایران با غرب را تا حصول برجام ایفاء نمود. به منظور پاسخ به سؤال اصلی پژوهش از چارچوب نظری قدرت نرم جوزف نای استفاده شده است. روش پژوهش کیفی با تمرکز بر تحلیل گفتمان سه‌بعدی فرکلو است و اطلاعات مورد استفاده با روش اسنادی (کتابخانه‌ای) گردآوری شده‌اند. نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهند که اسپانیا با استفاده از مؤلفه‌های قدرت نرم هم در جهت پیشبرد راهبرد اتحادیه اروپا در قبال ایران و هم در جهت افزایش نفوذ در اتحادیه اروپا عمل نمود. در واقع، اسپانیا در نوع رویکرد خود در قبال ایران، مسئله بهبود وضعیت خود در درون ساختار تصمیم‌گیری اتحادیه اروپا را در نظر داشت. خلق گفتمان‌های گوناگونی همچون گفتگوی ائتلاف تمدن‌ها و نزدیکی و دوستی در دوران ساپاترو، گفتمان اعتماد ساز، نقش منطقه‌ای ایران، دیپلماسی انرژی و گفتمان حقوقی دوران راخوی همگی در جهت خلق و استفاده از قدرت نرم در تغییر رویکرد هم در ایران و هم در اتحادیه اروپا اتخاذ گردیدند.

کلیدواژگان

توافق جامع؛ اسپانیا؛ دیپلماسی؛ خاورمیانه؛ قدرت نرم.

* استاد، گروه مطالعات منطقه‌ای، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. / نویسنده مسئول، ایمیل:

sdaghaee@ut.ac.ir

** دانشجوی دکتری، گروه مطالعات منطقه‌ای، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

مقدمه

اسپانیا پس از گذار دموکراتیک و پیوستن به اتحادیه اروپا، با توجه به سابقه تاریخی تعاملات با کشورهای خاورمیانه و نزدیکی جغرافیایی و فرهنگی با کشورهای عرب شمال آفریقا که منطقه‌ای استراتژیک و همسایه برای اسپانیا محسوب می‌شود، علاقه‌مند به نقش‌آفرینی در سیاست خاورمیانه‌ای اتحادیه اروپا بوده است. علی‌رغم این مسئله، اسپانیا در مذاکرات هسته‌ای ایران با کشورهای ۵+۱ حضور مستقیمی نداشت. از سوی دیگر، عدم حضور مستقیم اسپانیا در مذاکرات هسته‌ای اتحادیه اروپا با ایران با توجه به رقابت این کشور با فرانسه در سیاست‌گذاری‌های منطقه‌ای اتحادیه اروپا در حوزه خاورمیانه و شمال آفریقا نقطه‌ای منفی محسوب می‌شد؛ بنابراین، دستیابی به توافق هسته‌ای پیش از هر چیز به موفقیت اتحادیه اروپا و به‌خصوص تصمیم‌گیران ۳ کشور اروپایی حاضر در مذاکرات هسته‌ای پیوند خورده است در این میان، اسپانیا می‌توانست در قبال برنامه هسته‌ای ایران سیاست‌های مختلفی را دنبال کند، از جمله: (۱) رهبری در سیاست‌گذاری، (۲) نقش منفعلانه و دنباله‌روی از سیاست‌های کلان اتحادیه اروپا و (۳) نقش فعال و تسهیل‌کننده سیاست‌های کلان اتحادیه اروپا. از سوی دیگر، روابط دیرینه دو کشور و عدم حضور اسپانیا در منطقه غرب آسیا به‌عنوان یک قدرت استعماری، روابط خوب اسپانیا با کشورهای اسلامی، تاریخچه اسلام در شبه‌جزیره ایبریا همگی حاکی از منابع قدرت نرم اسپانیا در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا هستند. نیاز به هماهنگ‌بودن با اتحادیه اروپا در عین حال تأثیر مستقیم بر سیاست‌گذاری اسپانیا دارد. سؤال اصلی این پژوهش عبارت است از: اسپانیا چه نقشی را در حصول برجام در چارچوب اتحادیه اروپا ایفاء کرد؟

فرضیه پژوهش بیان می‌کند که اسپانیا با استفاده از منابع قدرت نرم نقش تسهیل‌کننده و اعتماد ساز را در گفتگوهای ایران با غرب را تا حصول برجام ایفاء نمود. در این پژوهش از نظریه قدرت نرم نای برای تبیین چگونگی روابط اسپانیا با ایران استفاده شده است. با توجه به تمرکز پژوهش‌های قبلی بر نقش سه کشور اروپایی شرکت‌کننده در مذاکرات هسته‌ای با ایران، نوآوری این پژوهش در بررسی نقش اسپانیا و تغییر و تحولات قدرت نرم آن در جریان سازی در موضوع هسته‌ای ایران است. در ادامه، ابتدا پیشینه روابط اسپانیا با ایران بررسی می‌شود و سپس چارچوب نظری این پژوهش یعنی نظریه قدرت نرم نای شرح داده می‌شود و در نهایت به نقش‌آفرینی اسپانیا در بحران هسته‌ای ایران تا حصول برجام در درون چارچوب یادشده را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱- پیشینه پژوهش

در مقاله «پس از توافق هسته‌ای ایران: درد و سود اروپا»، نویسندگان با بررسی توافق هسته‌ای ایران بر نقش اتحادیه اروپا و دیپلماسی آن تأکید می‌کنند و بر ناراضی بودن طرفین از وضعیت موجود به‌عنوان انگیز اصلی هر دو طرف برای مذاکرات و همچنین ناکارآمد بودن یک‌جانبه‌گرایی و هزینه‌های بالای آن به‌عنوان عوامل اصلی در جهت فعال شدن دیپلماسی اتحادیه اروپا در قبال برنامه هسته‌ای ایران یاد می‌کنند (Shirvani & Vukovic, 2015).

در مقاله «مذاکرات دیپلماتیک و توافق هسته‌ای ایران - بین پارادایم‌های واقع‌گرایی و لیبرالی»، نویسنده به بررسی حصول برجام از دید کشورهای اروپایی پرداخته است که در آن آلمان برای اولین بار پس از جنگ جهانی دوم به شکل‌دهی سیاست جهانی از طریق مذاکرات هسته‌ای در این گفتگوها نائل آمد و در مقابل فرانسوی‌ها با توجه به منافع مهمی که در لبنان و سوریه برای خود قائل بودند، توافق هسته‌ای به معنای تلاشی برای بازگشت به نقش آفرینی در خاورمیانه بود (Pop, 2020).

پدرو سانچس نخست‌وزیر کنونی اسپانیا در مقاله‌ای با نام «سیاست خارجی متعهد به اسپانیا»، اشاره به اهمیت نقش آفرینی اسپانیا در مناطق مختلف جهان از جمله خاورمیانه، بر اهمیت قرار گرفتن اسپانیا در درون مرکز تصمیم‌گیری اتحادیه اروپا تأکید می‌کند و حضور فعال این کشور در مجامع بین‌المللی و تلاش برای حل و فصل بحران‌های جهانی و بین‌المللی از جمله برنامه هسته‌ای ایران تأکید دارد (Sanchez, 2019).

در مقاله «فراتر از چندجانبه‌گرایی؟ کرونا، استقلال استراتژیک اروپا و سیاست خارجی اسپانیا؟»، ارتگا و سیمون به بحث سیاست خارجی اسپانیا در زمان رقابت چین و ایالات متحده آمریکا می‌پردازند و بین مسیر استقلال راهبردی و چندجانبه‌گرایی، به استفاده اسپانیا از تمرکز گره محور و شبکه‌ای اشاره می‌کنند که چندجانبه‌گرایی در درون شبکه روابط جهانی و تبدیل شدن به یکی از گره‌های اصلی در درون اتحادیه اروپا برای رسیدن به هدف استقلال راهبردی تأکید دارند (Artega & Simon, 2020).

در مقاله «سیر تحول سیاست همکاری توسعه بین‌المللی اسپانیا»، نویسنده به بررسی سیاست توسعه در دیپلماسی اسپانیا در جهت نیل به اهداف سیاست خارجی و کنترل بحران‌ها در همسایگی این کشور همچون شمال آفریقا و خاورمیانه پرداخته است و با توجه به نقش گسترده دولت در سیاست توسعه در اسپانیا، نوسان در پیگیری اهداف راهبردی از طریق سیاست توسعه در کشورهای خاورمیانه همچون فلسطین و یا سیاست‌های خاورمیانه‌ای اسپانیا در قبال ایران را با چرخه احزاب سیاسی و وضعیت اقتصادی این کشور در نوسان ارزیابی می‌کند (Cisneros, 2019).

در مقاله «آسنار و «نو محافظه‌کاران»: تأثیر نو محافظه‌کاری بر سیاست خارجی اسپانیا»، سیاست خارجی در دوران نخست‌وزیری آسنار و نقش سیاست نو محافظه‌کارانه ایالات متحده آمریکا در دوران بوش پسر مورد بررسی قرار می‌گیرند و رویکرد نو محافظه‌کارانه را در عمل در هر ۴ ستون سیاست خارجی این کشور یعنی اجماع، متناسب بودن، منافع ملی و اساس ارزش‌های حاکم بر اسپانیا ناموفق ارزیابی می‌شود (Baeza, 2019).

در مقاله «اسپانیا، اسرائیل و فلسطین: مشترکات و اختلافات»^۴ نقش اسپانیا در خاورمیانه و مسئله

¹ Foreign policy committed to Spain

² The evolution of Spain's international development cooperation policy

³ Aznar and the "neocons": the impact of neo-conservatism on Spain's foreign policy

⁴ Spain, Israel and Palestine: agreements and disagreements

فلسطین بررسی می‌شوند که در آن به بررسی عنصر مدیترانه‌ای و منطقه مدیترانه بزرگ (دربرگیرنده ایران) در سیاست خارجی اسپانیا پرداخته می‌شود که در آن تمرکز بر نقش سازنده این کشور در خاورمیانه و کاهش تنش‌ها به‌عنوان مؤلفه‌های اساسی سیاست خارجی اسپانیا مطرح می‌شوند (Alvarez-Ossorio, 2019).

این پژوهش به بحث روابط اسپانیا با ایران در ارتباط با تمرکز بر حوزه هسته‌ای پرداخته است که با توجه به پیشینه پژوهشی شکاف پژوهشی در بررسی روابط اسپانیا با ایران و به‌خصوص نقش اسپانیا در مذاکرات هسته‌ای و برجام دیده می‌شود که این پژوهش درصدد برطرف کردن آن با بررسی نقش اسپانیا در موضوع هسته‌ای ایران است.

۲- چارچوب نظری و مبانی نظری

در دهه ۸۰ و در نتیجه پیشرفت‌های فراوان در زمینه ارتباطات جهانی، طیف رو به رشدی از بازیگران دولتی و همچنین غیردولتی همچون سازمان‌های غیردولتی، شرکت‌های چندملیتی و جنبش‌های اجتماعی ظرفیت جمع‌آوری، شکل دادن و توزیع حجم روزافزونی از اطلاعات را برای مخاطبان کسب کرده بودند و از سوی دیگر، این بازیگران بر نحوه چگونگی کسب و اعمال قدرت‌های سیاسی تأثیر می‌گذاشتند؛ در چنین شرایطی بود که قدرت نرم اولین بار توسط جوزف نای در دهه ۹۰ میلادی ارائه شد؛ قدرت نرم قدرتی فرای قدرت سخت و نظامی و البته مکمل آن است که بیشتر با استراتژی‌های «دیپلماسی عمومی» همسو و شامل ایجاد و حفظ درک متقابل، روابط طولانی‌مدت و همکاری فعال است (Brannagan & Giulianotti, 2018: 1141).

قدرت نرم توانایی شکل دادن به ترجیحات دیگران از طریق جذابیت است و ویژگی بارز قدرت نرم غیراجباری بودن آن است؛ در واقع، قدرت نرم از ابزار سنتی سیاست خارجی «چماق و هویج» دوری می‌کند و در عوض به دنبال گسترش نفوذ از طریق ایجاد شبکه‌ها، برقراری ارتباط با روایت‌های قانع‌کننده، ایجاد قوانین بین‌المللی و استفاده از منابعی است که به‌طور طبیعی یک کشور را در دید مخاطبین جذاب می‌کند (Solik & Baar, 2019: 15)؛ علاوه بر این، نای با تأکید بر پرهیز از بودن استفاده از قدرت سخت در عصر حاضر، هم از نظر مالی و هم از نظر سیاسی، قدرت نرم را به‌عنوان قدرتی که منابع قابل توجهی نیاز ندارد و پیامدهای محدودی دارد، معرفی می‌کند و بر اهمیت منش در تعامل با دیگر کشورها برای جذب و تغییر ترجیحات آن‌ها تأکید دارد و به‌عنوان نمونه رفتار متکبرانه به‌جای جذب، دافعه را به دنبال دارد (Nye, 2011).

در واقع، قدرت نرم خود را زمانی موفق نشان می‌دهد که دیگر کشورها به الگوبرداری، پیروی و یا تحسین از ارزش‌های کشور صاحب قدرت نرم بپردازند که البته بخشی از چنین جذابیت خارج از دست دولت‌ها است و این حوزه فرهنگ و تمدن و یا بازیگران خصوصی هستند که شرایط را برای وجود قدرت نرم فراهم می‌کنند. در این ارتباط، جوزف نای در سیاست بین‌الملل، سه منبع را برای قدرت نرم برمی‌شمارد: فرهنگ (جذابیت برای دیگران)، ارزش‌های سیاسی (پابندی به

ارزش‌ها هم در داخل و هم در خارج از کشور؛ سیاست خارجی (مشروعیت و اخلاقی تلقی شدن سیاست‌ها) (Nye, 2014: 4).

در این مقاله با در نظر گرفتن قدرت نرم رهیافت کیفی تحلیل گفتمان سه‌بعدی فرکلو به بررسی استفاده اسپانیا از قدرت نرم در قبال ایران برای تغییر ترجیحات ایران استفاده شده است. تحلیل گفتمان سه‌بعدی فرکلو شامل ارزش بیانی، ارزش نمایندگی و ارزش ارتباطی گفتار است (Sipra & Rashid, 2013: 27-28). در مدل تحلیل گفتمان انتقادی با تحلیل متن، تحلیل بافت و تحلیل رویه‌های گفتمانی و جنبه سیاسی اجتماعی و در واقع با در نظر گرفتن بافت اجتماعی-سیاسی گفتمان، در جهت مشخص کردن روابط پنهان قدرت استفاده می‌شود.

۳- تاریخچه روابط اسپانیا و ایران در مسئله هسته‌ای

هنگامی که خوسه ماریا آسنار از حزب راست‌گرای مردمی آدر سال ۱۹۹۶ به قدرت رسید، نزدیکی با ایالات متحده آمریکا و تقویت روابط فرآتلانتیکی به‌خصوص پس از حادثه ۱۱ سپتامبر با حضور فعال در سیاست به اصطلاح «جنگ با تروریسم» آمریکا به معنای فاصله گرفتن اسپانیا از سیاست نزدیکی با کشورهای خاورمیانه‌ای و همچنین سیاست خارجی اتحادیه اروپا بود (Rocha, 2007: 206-207). تا پیش از مطرح شدن مسئله هسته‌ای ایران در سال ۲۰۰۳، با توجه به اقبال جهانی نسبت به سیاست خارجی سید محمد خاتمی و همچنین مطرح شدن ایده‌هایی همچون گفتگوی تمدن‌ها، ارتباطات ایران و اسپانیا نیز اوج گرفت، به گونه‌ای که سفر تاریخی رئیس‌جمهور وقت اسپانیا خوسه آسنار به ایران در این دوره رخ داد. در حالی که در دوران گونسالس اسپانیا در روابط خود با ایران سرمایه‌گذاری خاصی نکرده بود، در دوران آسنار و در سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۴ اسپانیا موفق شده بود که خود را در میان ۴ شریک تجاری اول ایران قرار دهد و از قدرت نرم یعنی دارا بودن هم‌زمان هویت اروپایی و روابط تاریخی با کشورهای اسلامی برای افزایش نقش آفرینی در سیاست‌گذاری‌های اتحادیه در قبال کشورهای خاورمیانه و ایران استفاده کند (Mirfakhraei, 2020). در واقع، در دوره آسنار اسپانیا با سیاست‌های نو محافظه‌کاران در ایالات متحده آمریکا هماهنگ شده بود و همین توانایی ارتباط مثبت با ایالات متحده آمریکا به اسپانیا این امکان را می‌داد که با بالا بردن اعتبار جهانی خود به عنوان قدرتی نرم و با ارائه تصویری جذاب از خود و معرفی خود به عنوان پلی بین ایران و اتحادیه اروپا و حتی ایالات متحده آمریکا عمل کند؛ بنابراین، این سفر به عنوان گامی مهم بر پایان انزوای ایران محسوب می‌شد و علی‌رغم مخالفت‌های ضمنی ایالات متحده آمریکا در نزدیکی اسپانیا با ایران، اسپانیا با سیاست همکاری گسترده با ایالات متحده آمریکا در ارتباط با حمله به افغانستان و عراق برخلاف فرانسه و آلمان، از اعتباری نزد این کشور بهره برده بود و توانایی مانور در سیاست خارجی را داشت و در جهت تقویت روابط با ایران گام برمی‌داشت (Baeza, 2019).

¹. Fairclough's 3D Model

². People's Party (PP)

به‌طور کلی، اسپانیا در روابط خود با ایران با قدرت نرم افزایش پذیرش و محبوبیت خود با استفاده از خلق تصویری جذاب از میراث دوران آندالوس تا روابط اسپانیا و اعراب در دوران فرانکو و مخالفت‌های آشکار اسپانیا با اسرائیل و به رسمیت شناختن دیر هنگام آن و عدم سابقه استعماری در خاورمیانه به خلق تصویری جذاب از خود پرداخته است و در عین حال با این قدرت نرم در جهت افزایش جایگاه خود در درون اتحادیه اروپا و سیاست‌گذاری خارجی آن تلاش کرده است (Quero, 2021). از سوی دیگر، با توجه به حضور فعال اسپانیا در جنگ عراق و اختلاف نظر در این رابطه با فرانسه و آلمان و همچنین بدنه سنتی سیاست خارجی اسپانیا که سیاست نزدیکی با کشورهای عرب را دنبال می‌کرد، آسنار با نزدیکی با ایران و تلاش برای نقش‌آفرینی در گفتگوی تمدن‌ها، در جهت استفاده از این فرصت برای افزایش قدرت نرم ارائه چهره صلح‌آمیز از خود در اروپا استفاده می‌کرد. با این وجود، از سال ۲۰۰۳ و با مطرح‌شدن برنامه هسته‌ای ایران، اسپانیا در جهت نقش‌آفرینی در سیاست خارجی اتحادیه اروپا در منطقه خاورمیانه و مشخصاً در حوزه هسته‌ای ایران گام برداشت.

۴- آغاز بحران هسته‌ای ایران و نقش اسپانیا در حصول برجام

با آغاز مسئله هسته‌ای ایران در سال پایانی نخست‌وزیری آسنار و نقش پررنگ اتحادیه اروپا برای حل و فصل آن، اسپانیا نیز در جهت تأمین منافع خود در ایران و همچنین نقش‌آفرینی در اتحادیه اروپا در حوزه خاورمیانه و شما آفریقا تلاش کرد.

۱-۴- نخست‌وزیری خوسه لوئیس ساپاترو و غیبت اسپانیا در مذاکرات ۱+۵

سال ۲۰۰۴ با پیروزی حزب سوسیالیست به رهبری خوسه لوئیس رودریگو ساپاترو در اسپانیا همراه شد و وی بر سیاست‌گذاری و هماهنگی اسپانیا با فرانسه و آلمان و فاصله‌گیری از رویکرد نو محافظه‌کارانه آسنار و دنباله‌روی از ایالات متحده آمریکا تأکید کرد و به‌نوعی «بازگشت اسپانیا به اروپا» را اعلام کرد (Kern, 2008: 3). با این وجود، اسپانیا با میراث آسنار دچار نوعی انزوا در میان شرکای اروپایی خود بود و علی‌رغم گفت‌وگوهای ساپاترو مبنی بر بازگشت اسپانیا به اروپا در نهایت در درون گروه ۱+۵ که از سال ۲۰۰۶ برای بحث موضوع هسته‌ای ایران شکل گرفته بود، غایب بود. تلاش اسپانیا برای نقش‌آفرینی در حل و فصل مسئله هسته‌ای ایران در راستای پیشبرد سیاست خارجی اتحادیه اروپا و در جهت استقلال راهبردی اتحادیه در مسئله هسته‌ای ایران و بهبود روابط این کشور با فرانسه و آلمان بود که در درون آسنار به علت موافقت با سیاست‌های ایالات متحده آمریکا در مسئله عراق دچار تیرگی شده بود. در این مسیر، خلق تصویری از اروپای متحد با نگاه مثبت به منافع اقتصادی و منطقه‌ای ایران در دستور کار سیاست خارجی اسپانیا در درون ساپاترو قرار گرفت. تأکید نخست‌وزیر و وزیر خارجه وقت اسپانیا مبنی بر اینکه «ایران از فرصتی که پیشنهاد آلمان و شورای امنیت سازمان ملل متحد برای حل و فصل برنامه هسته‌ای داده‌اند، استفاده کند و بر نقش

¹. José Luis Rodríguez Zapatero

². Back to Europe

منطقه‌ای» ایران از اهمیت بالایی برخوردار است زیرا حزب سوسیالیست حاکم با توجه به میراث انزواگری و دوری از شرکای اروپایی دوران آسنار، در جهت بهبود روابط خود با شرکای اروپایی خود بود و تلاش برای ارائه تصویری متوازن‌تر از ترکیبات منطقه‌ای که در آن ایران هم در کنار شرکای ایالات متحده آمریکا در منطقه نقش سازنده‌ای ایفاء کند، در جهت استفاده از قدرت نرم برای حفظ وحدت جامعه اروپایی از طریق تأکید بر وفاداری اسپانیا به مذاکرات اعضای اتحادیه اروپا در گروه ۱+۵ با ایران و در نتیجه دفاع از سیاست خارجی مشترک اتحادیه اروپا قابل تبیین بود (Lavanguardia, 2006b).

در جهت بازگشت اسپانیا به بازیگری فعال در سیاست خارجی اتحادیه اروپا، ساپاترو در سال ۲۰۰۵ طرح ائتلاف تمدن‌ها را در مجمع عمومی سازمان ملل متحد که به‌نوعی یادآور گفتمان گفتگوی تمدن‌های محمود خاتمی بود، ارائه نمود (Zaccara, 2015: 72). تلاش در جهت اعتمادسازی بین ایران و اتحادیه اروپا را دنبال می‌کرد و از این قدرت نرم ائتلاف تمدن‌ها و نقش آفرینی به‌عنوان بازیگری صلح‌طلب برای باز شدن فضای سیاسی در ایران برای همکاری با اتحادیه اروپا و توافق در زمینه هسته‌ای استفاده نمود. در واقع، در همین راستا، سفر ۴ روزه فیلیپه گونسالس، نخست‌وزیر اسبق اسپانیا، به ایران و دیدار او با رئیس‌جمهور وقت ایران که با تأیید رئیس‌جمهوری وقت اسپانیا انجام شد، از اهمیت بالایی برخوردار بود. در واقع، آنچه رئیس‌جمهور وقت اسپانیا از این دیدار جستجو می‌کرد، ایجاد اعتماد و تحول در نگاه ایران با گذر از چارچوب سیاسی به چارچوب خصوصی بود زیرا روابط گونسالس و خاویر سولانا (نماینده عالی سیاست خارجی و امنیتی اتحادیه اروپا با اصالت اسپانیایی) به‌طور سنتی بر اساس «ارتباط و نزدیکی» بود که این نزدیکی در جهت ایجاد گفتمان اعتماد ساز در تهران استفاده می‌شد (Ekaizer, 2006). در این ارتباط، دولت ساپاترو با طراحی نقش آفرینی فیلیپه گونسالس نخست‌وزیر سابق اسپانیا در برنامه هسته‌ای ایران در جهت ارسال پیام‌های جذاب و دلگرم‌کننده به تهران برای تغییر رویکرد ایران اقدام نمود. این نوع دیدارهای غیررسمی هم در سفر وزیر خارجه ایران به اسپانیا روی داد که در آن گونسالس اعلام کرد که «من حق ایران برای بهره‌برداری صلح‌آمیز از انرژی اتمی را تأیید می‌کنم» و اینکه در گفتگو با وزیر خارجه وقت آمریکا بر مذاکره مستقیم میان تهران و واشنگتن تأکید کرده بود (Elpais, 2006:1).

در اینجا تحلیل گفتمان سخن نخست‌وزیر اسپانیا با مذاکره‌کننده ارشد هسته‌ای ایران دارای نکات ذیل است: (۱) آنالیز متن: الگوی تم ثابت است که در آن موضوع اصلی یعنی حق استفاده ایران از انرژی اتمی قرار دارد؛ استفاده از فعل اول شخص مفرد برای ایجاد حس رابطه صادقانه و نه نمایندگی گروه ۱+۵ (۲) آنالیز بافت: این گفتگو در زمانی صورت می‌گرفت که اسپانیا از دوران نزدیکی به آمریکا خارج شده بود و در جهت گفتمان اصلی اتحادیه اروپا حرکت می‌کرد و ایران نیز از دوران خاتمی و گفتگوی تمدن‌ها خارج شده بود و مسئله هسته‌ای و پذیرش توقف در

¹. Constant theme pattern

غنی‌سازی اورانیوم هدف اصلی اتحادیه اروپا در قبال ایران بود. (۳) تحلیل رویه‌های گفت‌وگویی و جنبه سیاسی اجتماعی گفتار: در زمینه الگوی گفتاری، ارزش ارتباطی با قرار گرفتن فاعل ساده برای ایجاد حس دوستانه و درعین حال عدم نمایندگی اتحادیه اروپا و گروه ۱+۵؛ ارزش بیانی: حق ایران همان واژه مقامات ایران در رابطه با برنامه هسته‌ای ایران است که مجدداً توسط گونسالس برای نشان داده هدف مشترک ایران و اسپانیا ابراز شده است؛ ارزش نمایندگی: تأکید بر نگاه حقوقی و غیرسیاسی به برنامه هسته‌ای ایران.

در همین ارتباط، فیلیپه گونسالس بر اهمیت نقش کلیدی و حیاتی ایران در منطقه و حق دسترسی به فناوری هسته‌ای تأکید کرد و رئیس‌جمهور وقت ایران موضع اسپانیا را مثبت و منطقی ارزیابی نمود (Ekaizer, 2006). در اسپانیا دولت ساپاترو با استفاده از قدرت نرم مبتنی بر افزایش وفاداری داخلی بر پایه دوستی هم در جهت تغییر رویکرد ایران برآمده بود و هم در جهت افزایش نقش خود در ایجاد سیاست مشترک اروپایی در قبال ایران با حمایت مستقیم از خاویر سولانا همراه بود؛ در واقع، گفتمان دوستی و نزدیکی و سخنان رئیس‌جمهور وقت اسپانیا مبنی بر اینکه «اسپانیایی بودن خاویر سولانا نیز برای این مقاصد (حل مسئله هسته‌ای) فاکتور مرتبطی» است، همگی تلاش اسپانیا را در جهت تغییر سطح رسمی گفتگوها و آمیختن گفتمان دوستی و نزدیکی برای ایجاد اعتماد در مقامات ایرانی و تغییر رویکرد آن‌ها بود (Lavanguardia, 2006:1)؛ قدرت نرم برای بهبود فضای امنیتی با استفاده از نمایش تصویری صلح‌آمیز و جذاب از اسپانیا در ایران مبتنی بر دوستی دو ملت و رابطه دوستانه بین مقامات اسپانیایی و نماینده عالی سیاست خارجی و امنیتی اتحادیه اروپا که از هم‌حزبی‌های سوسیالیست حاکم در اسپانیا بود، در جهت تغییر رفتار ایران صورت می‌گرفت. استفاده از قدرت نرم افزایش وفاداری به دوستی دو جامعه ایران و اسپانیا را در بیانات مقامات اسپانیایی مبنی بر مخالفت با استانداردها دوگانه در قبال ایران می‌توان یافت؛ در این ارتباط، بیانات نماینده ویژه رئیس‌جمهور اسپانیا برای ابتکار اتحاد تمدن‌ها، ماکسیمو کاخال، بر حق داشتن برنامه هسته‌ای و حتی سلاح اتمی تأکید داشت و با این سؤال که «اما نباید از این واقعیت غافل شویم که ایران، مانند هر کشور دیگری در منطقه... چرا باید از حق داشتن سلاح، حتی به‌جرئت می‌توانم بگویم، سلاح هسته‌ای محروم باشد، درحالی که توسط کشورهای که آن را دارند احاطه شده است؟» بر استانداردهای دوگانه برای قضاوت درباره نگرش برخی کشورهای غربی تأکید کرده بود (Hoy, 2006:1-2). تحلیل گفت‌وگویی ذیل قابل توجه است:

(۱) آنالیز متن: پیشرفت موضوعی گفتار از طریق الگوی موضوع خطی است که در آن موضوع اصلی یعنی برنامه هسته‌ای ایران در بند اول به‌عنوان تم و سپس حق داشتن سلاح هسته‌ای در بند دوم به‌عنوان تم اصلی استفاده شده است تا نگرانی غرب رساتر شود؛ تکرار واژه سلاح اتمی برای

¹. Relational value

². Expressive value

³. Representational value

برجسته‌سازی موضوع مورد بحث؛ استفاده از استعاره از واژه احاطه شده برای برجسته‌سازی وضعیت انزوای ایران و همچنین مورد تهدید بودن ایران از سوی دیگران. (۲) آنالیز بافت: این گفتگو در زمانی صورت می‌گرفت که ایران تحت فشار شدید غرب برای پذیرش توقف غنی‌سازی قرار دارد. (۳) تحلیل رویه‌های گفتمانی و جنبه سیاسی اجتماعی گفتار: ارزش ارتباطی: استفاده از فاعل «ما» برای فاعل جمع و جامعه جهانی؛ ارزش بیانی: اسپانیا به عنوان بخشی از اتحادیه اروپا و جامعه جهانی سخن می‌گوید؛ ارزش نمایندگی: نگرانی غرب از برنامه هسته‌ای ایران.

البته، همان‌گونه که تحلیل بالا مطرح می‌کند، این گفتار خود دربرگیرنده مرتبط کردن برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای ایران با موضوع سلاح اتمی است؛ از سوی دیگر، ایران به صورت کشوری ایزوله و منزوی که توان دفاعی چندانی ندارد تصویر می‌شود که در جهت پیشبرد نگاه غرب به عنوان نگاه جامعه جهانی به برنامه هسته‌ای ایران بود. بنابراین، قدرت نرم افزایش پذیرش و محبوبیت اسپانیا در اتحادیه اروپا از طریق خلق احساس وفاداری و حمایت اسپانیا از دیگر شرکای اروپایی دنبال شد.

۲-۴- نخست‌وزیری راخوی و حصول برجام

با پیروزی حزب راست‌گرا به رهبری ماریانو راخوی در سال ۲۰۱۱، نگاه مثبت به روابط فرآتلاتیککی از یک‌سو و نقش‌آفرینی فعال اسپانیا در سطح سیاست خارجی اتحادیه اروپا مطرح شد. نگاه حقوقی دولت اسپانیا در دوران ماریانو راخوی که خود در داخل با بحران جدایی‌طلبی منطقه کاتالونیا مواجه شده بود، بیش‌ازپیش در روابط خارجی آن‌هم دیده می‌شد (Ferrero-Turrión, 2021: 9). در واقع، دولت راخوی در نتیجه تأکید بر اولویت بعد حقوقی در مقابل بعد سیاسی در مسئله کاتالونیا، در رابطه با سیاست خارجی خود و مشخصاً مسئله هسته‌ای ایران نیز بر مذاکرات هسته‌ای در جهت ایجاد یک ساختار قانونی و حقوقی در جهت اهداف اصلی غرب یعنی محدودسازی برنامه هسته‌ای ایران گام برمی‌داشت. به گونه‌ای که در حاشیه نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نیویورک در سال ۲۰۱۳، ماریانو راخوی با انتقاد از سیاست‌های تحریمی علیه ایران، خاطرنشان کرد که «تحریم‌های ضد ایرانی تنها بر مردم تأثیر می‌گذارند و باید بازنگری شوند» (Almanar, 2013:1). تحلیل گفتمان این گفتار به شرح ذیل است:

(۱) آنالیز متن: پیشرفت موضوعی گفتار از طریق الگوی موضوع خطی است که در آن موضوع اصلی یعنی برنامه هسته‌ای ایران در بند اول به عنوان تم اصلی و سپس تحریم‌های هسته‌ای در بند دوم به عنوان تم اصلی استفاده شده است تا تبیین چرایی وضع تحریم‌ها برای مخاطبین راس‌تر شود؛ تکرار واژه ضد ایرانی برای برجسته‌سازی موضوع هسته‌ای و ملی‌گرایی در ایران؛ ۲ بار استفاده از واژه مردم به منظور برجسته‌سازی اهمیت انسانی رسیدن به توافق و بهبود وضعیت مردم ایران. (۲) آنالیز بافت: این گفتگو در زمانی صورت می‌گرفت که ایران در دروان روحانی با جدیت در جهت رفع تحریم‌ها گام برمی‌داشت و مذاکره را تنها راه حل مسئله هسته‌ای ایران می‌دانست. (۳) تحلیل رویه‌های گفتمانی و جنبه سیاسی اجتماعی گفتار: ارزش ارتباطی: استفاده از فعل مجهول برای برجسته‌سازی مسئله تحریم‌ها و راه حل مذاکراتی آن؛ ارزش بیانی: اسپانیا به عنوان بخشی از اتحادیه اروپا سخن می‌گوید؛ ارزش نمایندگی: نگرانی غرب از برنامه هسته‌ای ایران و تلاش برای بهبود

وضعیت مردم در ایران.

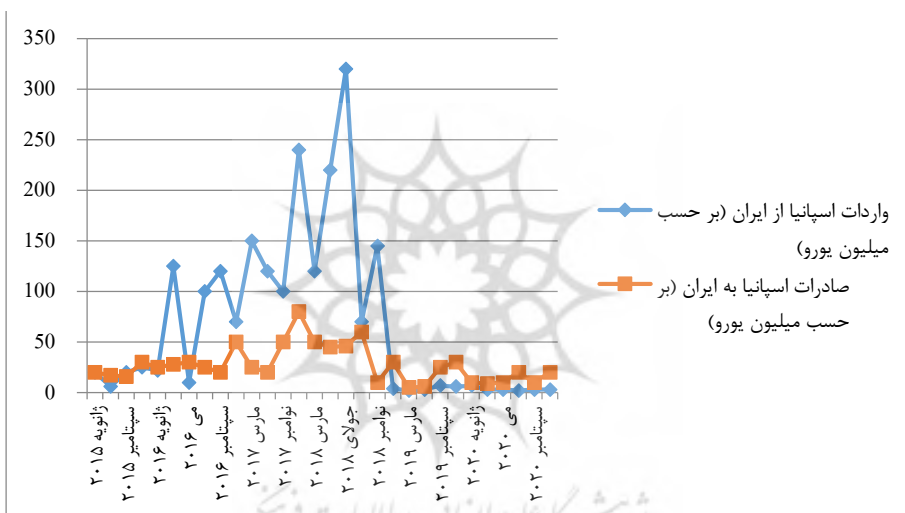
بدین ترتیب اسپانیا با خلق تصویری از اسپانیا به‌عنوان کشوری که در مسیر خواسته‌های ایران و بهبود شرایط مردم به دنبال چارچوبی حقوقی از طریق مذاکرات هسته‌ای و در سطح سازمان ملل متحد است، اقدام نمود و بر نقش آفرینی مثبت ایران برای حل و فصل بحران سیاسی در سوریه تأکید داشت که در عمل قدرت نرم برای تغییر در طرز تفکر و ترجیحات ایران از طریق گفت‌وگو اطمینان‌سازی، قدرت نرم برای افزایش پذیرش موضع اسپانیا برای توافق هسته‌ای از طریق تمرکز بر مذاکرات بین‌المللی میان گروه ۱+۵ و ایران، قدرت نرم برای بسیج حمایت ایران از طریق توجیه و مرتبط کردن بهبود وضعیت اقتصادی مردم در ایران با لغو تحریم‌ها و قدرت نرم برای تغییر در ترجیحات ایران با ارائه ایده نقش آفرینی ایران در نظام امنیتی منطقه‌ای به‌جای تمرکز بر حوزه هسته‌ای داشت. پس از توافق لوزان سوئیس در آستانه امضای برجام، اسپانیا مقصد اولین سفر خارجی وزیر امور خارجه وقت ایران به یک کشور غربی بود؛ تا آن زمان اسپانیا بهای گزافی را برای اعمال تحریم‌های اروپا علیه ایران پرداخته بود زیرا پیش از تحریم‌ها ۱۴ درصد انرژی موردنیاز خود را از ایران وارد می‌کرد (Heraldo, 2015:1).

در همین ارتباط، در دیدار خوزه مانوئل گارسیا (وزیر خارجه اسپانیا) با جواد ظریف در اسپانیا وی تأکید کرد که اسپانیا طرفدار لغو فوری تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران و راهکار حقوقی است و نقش مهم منطقه‌ای ایران را برای مقابله با گروه تروریستی داعش و القاعده و نقش ایران برای حل بحران‌ها در یمن، عراق، سوریه و لبنان را مورد تأکید قرار داد (Heraldo, 2015:1)؛ تأکید بر راهکار حقوقی و نه سیاسی حل و فصل مسئله هسته‌ای ایران با توجه به دید حقوقی رئیس‌جمهور وقت ایران حسن روحانی خود به یک قدرت نرم برای تغییر در ترجیحات ایران از طریق برجسته‌سازی گفت‌وگو توافق حقوقی و کارکردی به‌جای تمرکز بر توافقی سیاسی و بر اساس اطمینان به طرف‌های غربی بود. در واقع، فقدان حضور مستقیم اسپانیا در گروه ۱+۵ برای مذاکرات هسته‌ای با ایران، این کشور را به استفاده حداکثری از قدرت نرم سوق داده بود. تلاش اسپانیا برای استفاده از منابع قدرت نرم همچون مذاکرات دو جانبه، سفر مقامات بین دو طرف، ایجاد گفت‌وگو مثبت و دوستانه و راهکار حقوقی حول مسئله هسته‌ای ایران، همه در جهت خواست اسپانیا برای استفاده از فرصت‌های اقتصادی در ایران و همچنین ارتقای جایگاه این کشور در اتحادیه اروپا بوده است. حضور اسپانیا به مدت دو سال به‌عنوان عضو غیر دائم شورای امنیت سازمان ملل و همچنین ریاست کمیته نظارت و کنترل اجرای تحریم‌ها علیه ایران تبدیل به قدرت نرم برای بهبود فضای امنیتی ایران از طریق التزام اسپانیا به برداشتن تحریم‌ها در صورت حصول توافق هسته‌ای تبدیل شده بودند.

در دیدار با محمد جواد ظریف، تأکید راخوی بر بی‌ارتباط بودن تروریسم و جنبش‌های اسلامی و تأکید بر راهکار حقوقی حل و فصل مسئله هسته‌ای ایران از طریق توافق هسته‌ای پس از توافق اولیه در لوزان سوئیس و این مسئله که راهکار حقوقی توافق هسته‌ای مسیر را برای گسترش همکاری‌های اقتصادی بین اروپا و ایران فراهم می‌کند و نشان‌دهنده صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای ایران است،

همگی در جهت ایجاد گفت‌وگو، اعتمادسازی و راه‌حل حقوقی مسئله هسته‌ای ایران بود که در مسیر راهکار اصلی اتحادیه اروپا در محدودسازی برنامه هسته‌ای اروپا مطرح می‌شد و از سوی دیگر قدرت نرم برای بهبود فضای امنیتی محسوب می‌شد زیرا تصویری منصف، بی‌طرف و صلح‌آمیز از اروپایی‌ها در قبال ایران می‌ساخت (Financialtribune, 2015).

با آغاز دوره‌های مختلف تحریم علیه ایران، شرکت‌های اسپانیایی فعالیت خود را در ایران کاهش دادند و پس از لغو تحریم‌ها در سال ۲۰۱۶ حضورشان چشمگیر بود، به گونه‌ای که در سال ۲۰۱۶، جریان تجاری بین اسپانیا و ایران روند سنتی قبل از تحریم چندجانبه علیه ایران را احیا کرد و همین امر باعث کسری تراز تجاری به نفع ایران شد که در شکل ۱ روند صادرات و واردات بین ایران و اسپانیا نشان داده شده است.



نمودار ۱. روند تجارت بین ایران و اسپانیا در بازه ۲۰۱۵-۲۰۲۰ (بر حسب میلیون یورو)

Chart 1. The trend of trade between Iran and Spain in the period 2015-2020 (in millions of euros)

Source: (Vahedi, 2021)

در واقع، دیپلماسی انرژی یکی دیگر از مسیرهای دوران نخست‌وزیری راخوی برای جذاب کردن توافق هسته‌ای برای ایران بود. شرکت‌های اسپانیایی در کنار شرکت‌های فرانسوی و ایتالیایی برای حضور در بازار ایران فعال بودند و نقش این شرکت‌ها در سیاست خارجی اتحادیه اروپا و اسپانیا برای حرکت در جهت توافق هسته‌ای مهم بود. اسپانیا نیز با تأکید بر همکاری‌های انرژی بین دو کشور بر استفاده از دیپلماسی انرژی در دروان راخوی تأکید داشت. از سال ۲۰۱۶ اسپانیا با مشارکت شرکت پالایشگاهی ایران برای ساخت یک زنجیره از پالایشگاه‌ها در تنگه جبل الطارق اقدام کرده بود که نشان‌دهنده تلاش این کشور در جهت استفاده از نقش‌آفرینی دیپلماتیک خود با ایران به منظور مقابله با مسئله بیکاری در مناطق جنوبی اسپانیا و توسعه اقتصادی منطقه‌ای است (Bocse, 2019: 18). از سوی دیگر، حضور شرکت‌های اسپانیایی همچون رپسول در کنار شرکت

انی ایتالیا و توتال فرانسه برای ایجاد خط لوله گاز طبیعی از ایران و آذربایجان به اروپا همگی به نقش دیپلماسی انرژی اسپانیا به‌عنوان سیاستی مکمل در جهت سیاست خارجی کلان اتحادیه اروپا اشاره دارد (Bocse, 2019:17-18). اهمیت انرژی برای اسپانیا و تبدیل شدن ایران به‌عنوان یکی از تأمین‌کننده‌های مهم انرژی پس از توافق برجام، با توجه به سیاست شمال آفریقا و استقلال انرژی این کشور مهم است زیرا اسپانیا با توجه به روابط پرتنش با مراکش و همچنین ناآرامی‌های سیاسی در این کشورها در جهت استقلال انرژی و تنوع سازی در شرکای انرژی خود گام برمی‌دارد. بنابراین، اسپانیا با بهره‌گیری از گفتمان اعتماد ساز برای حل و فصل برنامه هسته‌ای ایران گام برداشت که در این ارتباط منافع اقتصادی شرکت‌های اسپانیایی فعال در حوزه انرژی نیز تأمین می‌شد و در عین حال خود را به‌عنوان یکی از بازیگران مؤثر در حوزه سیاست خاورمیانه‌ای اتحادیه اروپا معرفی کرد.

نتیجه‌گیری

با توجه به تلاش اسپانیا برای استفاده از سابقه تاریخی روابط خود با ایران و منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا برای نقش‌آفرینی در سطح اتحادیه اروپا و شکل‌دهی به سیاست خارجی آن، اسپانیا می‌توانست در قبال ایران سیاست‌های مختلفی از جمله رهبری، نقش منفعلانه و نقش فعال و تسهیل‌کننده سیاست‌های کلان اتحادیه اروپا استفاده کند. سؤال اصلی این پژوهش این بود که اسپانیا چه نقشی را در حصول برجام در چارچوب اتحادیه اروپا ایفاء کرد؟ فرضیه پژوهش بیان می‌کند که اسپانیا با استفاده از منابع قدرت نرم نقش تسهیل‌کننده و اعتماد ساز را در گفتگوهای ایران با غرب را تا حصول برجام ایفاء نمود. نتایج پژوهش حاضر با نشان دادن نحوه استفاده از قدرت نرم توسط سیاست‌گذاران اسپانیایی در شرایط عدم حضور مستقیم اسپانیا در میز مذاکرات ایران و ۵+۱ از طریق خلق گفتمان‌های گوناگونی همچون گفتگوی ائتلاف تمدن‌ها و نزدیکی و دوستی در دوران ساپاترو، گفتمان اعتماد ساز، نقش منطقه‌ای ایران و حقوقی دوران راخوی نبود نقش تسهیل‌کننده اسپانیا برای حصول برجام و در نتیجه فرضیه پژوهش را تأیید می‌کنند. با توجه به چرخش فراآتلانتیکی دوران نخست‌وزیری آسنار، اسپانیا با محدودیت‌های فراوانی برای رهبری در سیاست‌گذاری در سطح اتحادیه اروپا در خصوص برنامه هسته‌ای ایران مواجه بود و تلاش نخست‌وزیران بعدی اسپانیا برای جبران فرصت از دست رفته و بازگشت به سطح سیاست‌گذاری در سطح اتحادیه اروپا با بی‌اعتمادی اعضای مهم اتحادیه همچون فرانسه و آلمان به‌جایی نرسید.

پس از دوران آسنار، اسپانیا با توجه به منابع قدرت نرم خود در جهت ایفاگری نقش تسهیل‌کننده اجرای سیاست خارجی اتحادیه اروپا عمل نمود و در این مسیر بیش از آنکه نوآوری از خود نشان دهد، سیاست فعال و مکمل سیاست‌های کلان اتحادیه اروپا را در قبال ایران پیش گرفت. در عین حال، بسته به رویکرد احزاب حاکم در اسپانیا، روابط فراآتلانتیکی و تحولات داخلی نوع منابع قدرت استفاده‌شده اسپانیا در مسئله هسته‌ای ایران متفاوت بودند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهند که بسته به نوع حزب حاکم در اسپانیا و شرایط داخلی و روابط فراآتلانتیکی این کشور،

منابع قدرت نرم اسپانیا هم متفاوت بوده‌اند. با روی کار آمدن حزب سوسیالیست در سال ۲۰۰۴ اسپانیا به دنبال نقش آفرینی در حوزه مسئله هسته‌ای ایران برآمد و با استفاده از منابع قدرت نرم خود یعنی عضویت و نقش مهم آن در اتحادیه اروپا و هم‌حزبی بودن مسئول سیاست خارجی و امنیتی اتحادیه اروپا با حزب حاکم در اسپانیا و به‌کارگیری گفت‌وگو مبتنی بر دوستی و اعتمادسازی به نقش آفرینی در راستای پیاده‌سازی سیاست اتحادیه اروپا مبنی بر محدودیت‌سازی برنامه هسته‌ای ایران گام برداشت.

در دوران دولت حزب راست راخوی، با توجه به مسئله جدایی طلبی در منطقه کاتالونیا و اتخاذ سیاست حقوقی به‌جای سیاسی در قبال این مسئله، اسپانیا در سیاست خارجی نیز بر استفاده از گفت‌وگو حقوقی به‌عنوان منبع قدرت نرم در جهت توجیه ایران برای حرکت در مسیر سیاست کلان اتحادیه اروپا در قبال ایران اقدام نمود. در واقع، اسپانیا با ایفای نقش حقوق‌گرایی در دوران مذاکرات خود با ایران، به دنبال خلق این ایده بود که مسئله هسته‌ای ایران موضوعی حقوقی و نه سیاسی است و بدین ترتیب در نقش بازیگر عمده اتحادیه اروپا در چارچوب سیاست کلان اتحادیه اروپا در حوزه خاورمیانه و مسئله هسته‌ای ایران گام برمی‌داشت. نتایج این پژوهش همچنین پویایی منابع قدرت اسپانیا را نشان می‌دهند؛ مسئله بحران جدایی طلبی در منطقه کاتالونیا در دوران راخوی اوج گرفت و دولت راخوی را بیش‌ازپیش به سمت استفاده از سیاست داخلی در سطح خارجی به‌عنوان بخشی از منابع قدرت نرم سوق داد زیرا هزینه طراحی سیاست خارجی جدید در قبال مسئله هسته‌ای ایران در چارچوب تعریف‌شده از سوی اتحادیه اروپا بالا بود و همان راهکار داخلی توانست در سطح سیاست خارجی به یک منبع قدرت نرم تبدیل شود. بنابراین، تحولات داخلی همچون رویکرد و ایدئولوژی احزاب حاکم، تحولات داخلی و روابط فرآتلاتیکی ترکیب‌های مختلفی از منابع قدرت نرم را به وجود آوردند که اسپانیا را قادر ساخت تا نقش تسهیلگر در به ثمر رسیدن اهداف کلان سیاست خارجی در قبال ایران ایفاء کند. اهمیت دیپلماسی انرژی در دوران راخوی برای ایجاد جذابیت توافق هسته‌ای برای ایران از یک‌سو و کاهش وابستگی اسپانیا به کشورهای شمال آفریقا از سوی دیگر یکی دیگر از عوامل مهم در فعالیت‌های دیپلماتیک اسپانیا برای حصول برجام بود.

References

1. Almanar. (2013, 09 27). *Rajoy: it is the Iranian people who have suffered the sanctions* . Retrieved 11 19, 2022, from Almanar: <https://archive.almanar.com.lb/spanish/article.php?id=41853>. (In Spanish)
2. Álvarez-Ossorio Alvariño, I. (2019). Spain, Israel and Palestine: agreements and disagreements. *Hispania*, 79 (261), 221-248. (In Spanish)
3. Arteaga, F., & Simón, L. (2020). Beyond multi-lateralism? COVID-19, European strategic autonomy and Spanish foreign policy?. *Real Instituto Elcano*, 1-7. (In Spanish)

4. Baeza, J. V. (2019). Aznar and the neocons: the impact of neo-conservatism on Spain's foreign policy. *Revista Española de Relaciones Internacionales*, 10, 278-281. **(In Spanish)**
5. Bocse, A. M. (2019). EU energy diplomacy: Searching for new suppliers in Azerbaijan and Iran. *Geopolitics*, 24(1), 145-173.
6. Brannagan, P. M., & Giulianotti, R. (2018). The soft power–soft disempowerment nexus: the case of Qatar. *International Affairs*, 94(5), 1139-1157.
7. Cisneros, J. M. C. (2019). The evolution of Spain's international development cooperation policy. *Comillas Journal of International Relations*, 14, 17-28. DOI: <https://doi.org/10.14422/cir.i14.y2019.002> **(In Spanish)**
8. Ekaizer, E. (2006, 09 01). *González mediates between Tehran and Washington to force an agreement on the nuclear issue*. Retrieved 11 19, 2022, from El País: https://elpais.com/diario/2006/09/01/internacional/1157061603_850215.html **(In Spanish)**
9. Elpais. (2006, 09 11). *Zapatero and Annan see an opportunity for peace in the Middle East*. Retrieved 11 26, 2022, from elpais. **(In Spanish)**
10. Ferrero-Turrión, R. (2021). The consequences of state non-recognition: the cases of Spain and Kosovo. *European Politics and Society*, 22(3), 347-358.
11. Financialtribune. (2015, 04 15). *Spanish PM Sees Good Prospects for Ties*. Retrieved 01 30, 2023, from Financialtribune: <https://financialtribune.com/articles/national/14685/spanish-pm-sees-good-prospects-for-ties>
12. Heraldo. (2015, 04 14). *Spain, in favor of immediately lifting sanctions on Iran if it complies with the nuclear pre-agreement*. Retrieved 19 November, 2022, from Heraldo: https://www.heraldo.es/noticias/nacional/2015/04/14/espana_partidaria_levantar_enseguida_las_sanciones_iran_cumple_preacuerdo_nuclear_351424_305.html. **(In Spanish)**
13. Hoy. (2006, 08 23). *A senior Zapatero official believes a "right" for Iran to possess nuclear weapons*. Retrieved 19 November, 2022, from Hoy: https://www.hoy.es/20060823/nacional/maximo-cajal-cuestiona-iran_200608231452.html. **(In Spanish)**
14. Kern, S. (2008). Is Spain an Influential Country?. *Grupo de Estudios Estratégicos GEES*, 3 (258), 1-6.
15. Lavanguardia. (2006). *Zapatero considers that sending troops to Lebanon has he usual risk of a peace mission*. Retrieved 19 November, 2022, from Lavanguardia:

<https://www.lavanguardia.com/politica/20060907/51282287590/zapatero-considera-que-el-envio-de-tropas-a-libano-tiene-el-riesgo-habitual-de-una-mision-de-paz.html>.

(In Spanish)

16. Lavanguardia. (2006b). *Zapatero asks Lariyani that Tehran not miss out on the opportunity of the international offer*. Retrieved 15 July, 2023, from Lavanguardia: <https://www.lavanguardia.com/internacional/20060707/51275797674/zapatero-pide-a-lariyani-que-teheran-no-desaproveche-la-oportunidad-que-supone-la-oferta-internacion.html> **(In Spanish)**
17. Mirfakhraei, S. H. (2020). The US Role in Iran-EU Relations (1990-2020). *Iranian Review of Foreign Affairs*, 11(31), 273-302.
18. Nye, J. S. (2014). The information revolution and soft power. *Current History*, 113(759): 19-22.
19. Nye Jr, J. S. (2011). *The future of power*. Public Affairs.
20. Pop, A. (2020). Diplomatic negotiations and the Iran Nuclear Deal-between the realistic and liberal paradigms. *CES Working Papers*, 12(2), 100-110.
21. Rocha, I.C.M. (2007). *US-Spain Security Relations after 9/11*. In: Miller, M.J., Stefanova, B. (eds) *The War on Terror in Comparative Perspective*. Palgrave Macmillan, London. https://doi.org/10.1007/978-0-230-59956-7_12
22. Sánchez, P. (2019). Foreign policy committed to Spain. *Política exterior*, 33(189), 44-54. **(In Spanish)**
23. Sipra, M., & Rashid, A. (2013). Critical discourse analysis of Martin Luther King's speech in socio-political perspective. *Advances in Language and Literary Studies*, 4(1). 27-33.
24. Shirvani, T., & Vukovic, S. (2015). After the Iran Nuclear Deal: Europe's Pain and Gain. *The Washington Quarterly*, 38(3), 79-92.
25. Vahedi, M. (2021, 03 15). *An active role for Spain in economic relations between the EU and Iran*. Retrieved 11 19, 2022, from [thediplomatinspain: https://thediplomatinspain.com/2021/03/un-papel-activo-para-espana-en-las-relaciones-economicas-entre-la-ue-e-iran/](https://thediplomatinspain.com/2021/03/un-papel-activo-para-espana-en-las-relaciones-economicas-entre-la-ue-e-iran/). **(In Spanish)**
26. Zaccara, L. (2015). From Dialogue to Alliance of Civilizations: Iranian and Spanish Initiatives Revisited. *Int'l Stud. J.*, 12, 63-74.



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی